

ضمن عرض خیرمقدم به شما عضو عزیز، برای این مسابقه خلاصه ای از زندگینامه وارن بافت برگرفته از کتاب "۱۵ ثروتمند موفق ۱۵ پل موفقیت" اثر سعید بیگدلی انتخاب شده است. برای شرکت در مسابقه کافی است متن ذیل را مطالعه فرموده و سپس به ۱۰ سنوال مطرح شده که در تاریخ ۲۲ آذرماه در دسترس می باشد، پاسخ دهید.

زندگینامه ثروتمند ترین مرد جهان؛ وارن بافت

ثروتمند ترین شخص جهان، کسی جز وارن ادوارد بافت نیست، که جالب ترین سرگذشت را میان ثروتمندان دنیا از نظر نحوه زندگی، ثروتمند شدن و تفکرات اقتصادی دارد. او بسیار علاقمند است که عموم مردم از منافعی که ایجاد می کند، استفاده کنند و آنها را از تفکرات اقتصادی درست آگاه سازد. وارن ادوارد بافت، مشهور به دانشمند اوما ها، در ۲۰ آگوست ۱۹۳۰ در اوهایو ایالت نبراسکا در ایالت متحده ی آمریکا متولد شد. پدرش هاوارد ، در ابتدا دلال سهام شرکت ها بود و بعد نماینده گنجره شد. او تنها پسر خانواده و دومین فرزند از سه فرزند بود. او در کودکی در زمینه ی پول و تجارت استعداد شگفت انگیزی از خود نشان داد. سوابق او و توانایی هایش در محاسبه ی دقیق اعداد در ذهن خود، هنوز هم همکاران تجاری اش را متحیر می کند. بافت در ۶ سالگی، شش جعبه ی کوکا کولا به قیمت ۲۵ سنت از مغازه ی پدر بزرگش خرید و هر بطری را به ازای یک سکه ی پنج سنتی فروخت؛ در حالی که کودکان هم سن و سال او بر روی چمن لی لی و بولینگ بازی می کردند.

در ۱۱ سالگی بافت سه سهم شرکت citesservice را به قیمت هر سهم ۲۸ دلار، برای خود و خواهر بزرگش به نام دوریز خرید. در مدت کوتاهی بعد از خرید سهام، قیمت هر سهم به ۲۷ دلار کاهش یافت. وارن ترسیده بود اما هیچ اقدامی نکرد تا اینکه هر سهم به ۴۰ دلار رسید ، او خیلی سریع آنها را فروخت و بعد خیلی زود از این کار پشیمان شد، چون سهام citesservice پس از مدت کوتاهی به ۲۰۰ دلار رسید.

این تجربه درس بزرگی به او داد؛ اینکه یکی از اصول مهم سرمایه گذاری، صبر و شکیبایی است . در سال ۱۹۴۳ ، بافت به اداره مالیات به دلیل گرفتن مالیات ۳۵ دلاری برای دوچرخه اش، اعتراض کرد و سرانجام موفق شد مالیات ۲۵ دلاری دوچرخه اش را حذف کند. در سال ۱۹۴۷ در ۱۷ سالگی از دبیرستان وودرو ویلسون در واشنگتن D.C فارغ التحصیل شد. در دوران دانش آموزی اش ۵۰۰ دلار روزنامه توزیع کرد. (این مقدار معادل ۴/۳۶۱/۰۸۱ دلار در سال ۲۰۰۰ است) پدرش تمایل زیادی داشت تا وارن برای ادامه تحصیل به دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه پنسیلوانیا برود. بافت دو سال به دانشگاه نرفت و عقیده داشت بیشتر از استادها می داند! وقتی پدرش هاوارد در مبارزات مجلس شکست خورد، وارن به خانه یشان در اوما ها برگشت و برای ادامه تحصیل به دانشگاه نبراسکا رفت. با وجود کار تمام وقت ، تنها در مدت سه سال موفق شد دوره لیسانس را در این دانشگاه بگذراند و فارغ التحصیل شود. با وجود سرسختی و مقاومت زیاد، بالاخره راضی شد تا در سال ۱۹۵۱ وارد دانشکده علوم اداری و بازرگانی شود، ولی دانشگاه به دلیل سن کم بافت او را نپذیرفت و او مجبور شد برای دوره فوق لیسانس رشته اقتصاد، به دانشگاه کلمبیا برود.

آنجا سرمایه گذاران مشهوری همچون بن گراهام ، که بافت زندگی و موقعیت های اقتصادی آینده خود را مدیون او می داند، و دیوید دود، تدریس می کردند؛ تجربه ای که زندگی بافت را برای همیشه تغییر داد. بن گراهام در طول دهه ی ۱۹۲۰ به دلیل داشتن تفکرات نو در زمینه بازار سهام، خیلی زود به عنوان یک سرمایه گذار و تحلیل گر بزرگ معروف شد . او به دلیل بی خطر بودن سهام های ارزان، به دنبال آنها بود. بافت در طول تحصیلاتش در کلمبیا، تنها دانشجویی بود که در کلاس درس بن گراهام نمره A+ گرفت . بعد از دوره ی فارغ التحصیلی ، بافت تصمیم گرفت تا برای گراهام بطور رایگان کار کند، ولی بن نپذیرفت. او بعد از رد شدن پیشنهاد کار توسط گراهام، در وال استریت به عنوان دلال سهام مشغول به کار شد. او با استفاده از در آمد کم این دوران ، پمپ بنزین سینکلایر را خرید؛ اما چنان که انتظار می رفت، پمپ بنزین باز دهی نداشت . بافت به خانه در اوماها برگشت و در بنگاه پدرش مشغول به کار شد . در آنجا با دختری به نام سوزان تامپسون آشنا شد و در آوریل ۱۹۵۲ با هم ازدواج کردند.

آنها یک آپارتمان سه خوابه به مبلغ ماهیانه ۶۵ دلار اجاره کردند. آن خانه، مخروبه و پر از موش بود.

در سال ۱۹۵۳ فرزند اول بافت ، به نام سوزی متولد شد. برای صرفه جویی از یک کنشوی خراب لباس برای او تخت درست کردند.

در آن سالها سرمایه گذاری وارن به ایستگاه Texaco و چند مشاور املاک محدود بود که هیچکدام برای وارن موفقیتی کسب نکرد . در این دوران او برای کسب در آمد ، در دانشگاه اوماها شروع به تدریس کرد. قبل از شروع تدریس، بافت برای غلبه بر ترس حرف زدن در جمع و مکانهای عمومی ، یک دوره آموزش با دیل کارنگی گذراند. بافت در دانشگاه برای دانشجویانی که میانگین سن آنها دو برابر سن خودش بود ؛ اصول سرمایه گذاری را تدریس می کرد.

همه چیز تغییر کرد. در سال ۱۹۵۴؛ بن گراهام ، استاد دانشگاه بافت و سرمایه گذار مشهور، از او دعوت کرد تا با حقوق سالانه ۱۲۰۰۰ دلار برای گراهام کار کند. وارن بافت بعد از مدتها انتظار به آنچه می خواست رسید. بافت و همسرش در حومه ی شهر نیویورک خانه ای اجاره کردند . بافت روزها به تجزیه و تحلیل گزارشات و تحقیق در زمینه های موفقیت در سرمایه گذاری می پرداخت. در طول این دوران تفاوتی بین روند کار گراهام و بافت آشکار شد. بافت می خواست بداند که چگونه یک شرکت در بین رقبا به برتری دست می یابد و بن به دنبال اعداد و ارقام بود. همچنین وارن مدیریت شرکت را عاملی مهم در سرمایه گذاری می دانست ؛ اما گراهام صرفا به تراز نامه و صورت در آمد و سود و زیان شرکت اهمیت می داد و به نوع رهبری و مدیریت شرکت کمتر توجه می کرد. بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ وارن سرمایه ی شخصی خویش را از ۹/۸۰۰ دلار به ۱۴۰/۰۰۰ دلار رساند. در سال ۱۹۵۴ دومین فرزند بافت به هاوارد گراهام به دنیا آمد.

در سال ۱۹۵۶ بافت با داشتن تجربه ای مناسب و همچنین تجارب ارزنده ی گراهام و با تمام سرمایه ی خود به اوماها برگشت و موسسه ی سرمایه گذاری بافت را تاسیس کرد. در اوایل می ۱۹۵۶ او با خواهرش دوریز و عمه آلیس به سرمایه ای به ارزش ۱۰۵/۰۰۰ دلار شریک شد. او ۱۰۰ هزار دلار در Buffet Association Ltd سرمایه گذاری کرد. قبل از پایان سال سرمایه وی به ۳۰۰/۰۰۰ دلار رسی و یک خانه ی گچ کاری شده با ۵ اتاق خواب به قیمت ۳۱/۵۰۰ دلار در خیابان فارنام خریداری کرد که آن را حماقت بافت نامید. در همان سال سومین فرزند او به نام پیتر به دنیا آمد . بافت جلساتش را با شرکای خود در آن خانه برگزار می کرد . در آن هنگام زندگی او شکل دیگری گرفت . بافت سه فرزند، یک زن زیبا و تجارت خیلی موفق داشت. در سال ۱۹۵۷ او مالک سه شرکت شد. در سال ۱۹۵۸ موسسه ی سرمایه گذاری بافت صاحب ۷ شرکت شد.

تمامی شرکت ها را در یک شرکت منسوجات به نام برک شایر هات ویتلیفیک کرد در ژانویه ۱۹۶۶ سرمایه شرکت بافت به ارزش ۷/۱۷۸/۵۰۰ دلار بود که بیش از ۱/۰۲۵/۰۰ دلار متعلق به او بود. در سال ۱۹۶۶ شرکای بافت، سهام برک شایر هایت وی را به ارزش هر سهم ۱۴/۸۶ دلار خریدند. او در اواخر سال ۱۹۶۶، پذیرش سهامدار جدید را در شرکت ممنوع کرد.

بافت در سال ۱۹۶۷ برای برک شایر یک فروشگاه خرده فروشی خصوصی در بالتیمور خرید که مسولیت ریاست هیات مدیره آنرا برعهده گرفت. برک شایر در سال ۱۹۶۷ به ازای هر سهم ، ۱۰ سنت سود داد. او در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار رئیس برک شایر هات وی شد و نامه ای با این عنوان به سهامداران نوشت.

در اواخر همان سال او فرصت پیدا کرد تا شرکتی به نام seescandy به مبلغ ۲۵ میلیون دلار بخرد. این خرید بزرگترین سرمایه گذاری برک شایر هات وی بود.

بعد از چندین سرمایه گذاری دارای خالص او افزایش پیدا کرد در فاصله ی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ ارزش هر سهم برک شایر، از ۲۰ دلار به ۹۵ دلار رسید. در طول این دوره بافت که صاحب ۲۹ درصد از سهام برک شایر بود ؛ توانست ۱۴ درصد دیگر از سهام شرکت را بخرد و سهام او و همسرش که ۳ درصد از سهام را داشت به ۴۶ درصد رسید. در سال ۱۹۷۳ بافت سهام شرکت واشنگتن پست را خرید. این کار او سبب شد تا کاترین گراهام سرپرست روزنامه و نشریات شرکت و همچنین عضو هیئت مدیره شود.

با وجود اینکه اصول سرمایه گذاری بن گراهام ساده بود ؛ او در دوران ۲۱ سالگی وارن بافت ، به شکل یک اسطوره درآمد. بافت با خواندن کتاب گراهام به نام ((چه کسی می تواند مشاور خود را پیدا کند)) در تجارت خود تحولی ایجاد کرد. او قصد خرید و سرمایه گذاری در یک شرکت بیمه را داشت. در یک صبح دلپذیر یکشنبه بافت سوار ترن شد و به دفتر مرکزی شرکت بیمه GEICO رفت. وقتی به آنجا رسید درها بسته بودند ولی او منصرف نشد و بی وقفه و محکم در را کوبید تا سرابدار آمد و در را باز کرد. از سرابدار پرسید: ((کسی در ساختمان نیست؟)) شانس به بافت رو آورد. او به طبقه ششم رفت و در آنجا هنوز مردی کار می کرد.

او به سرعت در مورد شرکت و فعالیتهای تجاری اش از مرد سوالاتی پرسید. صحبت های آنها چهار ساعت طول کشید. آن شخص کسی نبود جز لوری دیوید سون، معاون مالی شرکت. این تجربه بزرگ بافت در اصرار بر انجام فعالیت خود سبب شد تا برک شایرهای وی تمامی شرکت GEICO را تصاحب کند.

در سال ۱۹۸۳، بافت از شرکت GEICO و با ارائه بیمه ی بیماران، میلیون ها دلار سود بدست آورد. در سپتامبر همان سال بنجامین گراهام، اسطوره بافت درگذشت و او را با تمام خاطرات و نصایحش تنها گذاشت.

بافت شرکت برک شایرهای وی را توسعه داد و همچنین در صنایع مختلف سرمایه گذاری کرد. در سال ۱۹۷۹ او با دارایی ۱۴۰ میلیون دلار برک شایر در ABC سهام خرید. هر سهم به قیمت ۲۹۰ دلار بود. برک شایر پس از مدت کوتاهی، فروش سهام در ABC را با قیمت هر سهم ۷۷۵ دلار ، شروع کرد و با ۳۱۰ ، ۱ دلار پایان داد. ثروت خالص بافت ، به ۶۲۰ میلیون دلار رسید و برای اولین بار، نام او در مجله فوربس به عنوان یکی از ۴۰۰ ثروتمند دنیا معرفی شد.

در سال ۱۹۹۸، بافت بیش از ۷ درصد سهام شرکت کوکاکولا را به قیمت ۱/۲۰ میلیارد دلار خرید. او در ۱۹۸۹، به مبلغ ۹/۷ میلیون دلار هواپیمای جتی برای شرکت خرید اما به دلیل انتقادهایی که خود او در گذشته از مدیر عاملان شرکت های دیگر برای چنین خریدهایی کرده بود؛ این عمل را توجیه ناپذیر دانست. در سال ۱۹۶۹ گروه کارسون، بافت را به عنوان پول دارترین مدیر قرن بیستم معرفی کردند. او همچنین در سال ۲۰۰۲، ۱۱ میلیارد دلار در برای قراردادهای سلف سرمایه گذاری کرد تا دلار آمریکا را در برابر دیگر پول های در گردش نجات دهد. سود بافت از این معامله ها ۲ میلیارد دلار بود. او موفق شد با سرمایه گذاری در شرکت هایی که سهام آنها به ارزش واقعی خود نرسیده بودند، هر روز به ثروت خود بیفزاید و لقب یکی از ثروتمندترین مردان تاریخ را از آن خود کند. که با اتکاء به توانایی های خود به اینجا رسیده است. در ژوئن ۲۰۰۶ بافت اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد ثروت خود، یعنی ۲۷ میلیارد دلار از ۵۲ میلیارد دارایی خویش ، را به صورت کمک های سالانه به بزرگترین مؤسسه ی خیریه ی جهان، مؤسسه ی بیل و ملینداگتس می بخشد تا در امور خیریه صرف شود.

در سال ۲۰۰۴ سوزان همسر بافت فوت کرد. او در سال ۲۰۰۶ با آستریدمنکس ازدواج کرد. رستوران مورد علاقه ی بافت در اوماها، خانه ی استیک گورات است و غذای مورد علاقه ی بافت ، استیک استخوان دار ، خوراک گوشت و سبزی خرد شده است. او یک ماشین کادیلاک DTS دارد، در ضمن ایمیل و کامپیوتر شخصی روی میز کار خود ندارد.

او هنوز در خانه ای که به مبلغ ۳۱.۵۰۰ دلار خریده بود و آن را حماقت بافت نامیده بود، زندگی می کند. این خانه در حال حاضر ۷۰۰.۰۰۰ دلار ارزش دارد.

فلسفه ی او برای سرمایه گذاری در تجارت، اصلاح روش ارزشمند سرمایه گذاری استاد خویش، یعنی بنجامین گراهام است. گراهام شرکت هایی را می خرید که در مقایسه با ارزش ذاتی آنها، ارزان بودند. او بر این باور بود در مدتی که بازار ، این شرکت ها را کم ارزش بداند، می تواند سرمایه زیادی بدست آورد. او دلیل می آورد که سرانجام بازار ، متوجه ارزش کم و غیر عادی این شرکت ها می شود و بدون توجه به نوع کار آنها، جهت خویش را اصلاح می کند. به علاوه، گراهام عقیده داشت در کنار تجارت خوب باید یک اقتصاد قوی وجود داشته باشد.

بافت به زمان خرید هم توجه دارد. او نمی خواهد در کارهایی که ارزش مشخصی ندارند، سرمایه گذاری کند. او منتظر کسادی و اصلاح بازار می ماند تا کالاهای مطمئن و همچنین سهام شرکت های مطمئن را با قیمت منطقی (پایین) خریداری کند زیرا کسادی و رکود بازار سهام، فرصت خرید ایجاد می کند.

هر گاه در بازار، احتکار رایج باشد، بافت محافظه کار می شود و هر گاه سایرین نگران سرمایه ی خود باشند؛ بافت پر تکاپو می شود. این استراتژی دوگانه و متضاد، سبب شده تا شرکت بافت به پیشرفت جهانی برسد و خسارت مهم قابل توجهی به این شرکت وارد نشود. البته انتقادهایی نیز وجود دارد که برک شایردر طول این دوران فرصت های خوبی را از دست داده است. بافت معتقد است که سرمایه گذار در خرید سهام باید به گونه ای آن شرکت را مورد بررسی قرار دهد که گویی می خواهد تمامی شرکت را بخرد.

او خود می گوید که در سال ۲۰۰۶، تنها ۱۸ درصد از درامدش را صرف پرداخت مالیات کرده است در حالی که کارمندان او با وجود درآمد کمتر ۳۲ درصد، مالیات پرداخت کردند. بافت همیشه سیستم و روند خود را تحسین می کند که سبب شده تا او به نسبت کمتر از یک منشی مالیات پرداخت کند. وارن بافت بر این باور است که دلار آمریکا، در یک دوره ی طولانی مدت بی ارزش می شود. او عقیده دارد که روند رو به افزایش رکود و کمبود معامله در آمریکا، هشدار می است به این معنا که داراییها و دلار آمریکا بی ارزش می شود، در نتیجه ی این عمل بخش بزرگی از دارایی های ایالات متحده در دستان خارجی ها قرار می گیرد. این موضوع او را وادار کرد تا برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ وارد بازار پول خارجی شود. بافت نسبت به دلار بدبین است. او می گوید که در جستجوی شرکت هایی است که درآمد خویش را از خارج ایالات متحده بدست می آورند. بافت در شرکت پتروچین سرمایه گذاری کرد و در وب سایت برک شایر هات وی موضوع را مورد بحث قرار داد که چرا بر خلاف بحث های موجود درباره ی این شرکت، از آن چشم پوشی نمی کند و هم اکنون سرمایه های کلانی در زمینه های مختلف از جمله بیمه، تولید انرژی، بازار قالی، جواهرات و میلمان دارد. از جمله شرکت های معروفی که بافت سهامداران آن است علاوه بر کوکا کولا، آمریکن اسپرس و ژیلت است. به دلیل ترکیب نظرات شوخی و جدی بافت در زمینه تجارت سخنان او معروف هستند.

حال با توجه به تجربیات گرانبها و موفقیت های وی و زندگی سراسر موفقیت این مرد بزرگ اقتصاد و تجارت دنیا به گوشه ای از نصایح اقتصادی و نظرات و اعتقادات بسیار جذاب و مفید وارن بافت که در نامه ها و سخنرانیها و مقالات خود بیان کرده اشاره می کنیم:

- سالها پیش اسحاق نیوتن سه قانون حرکت را کشف کرد که بسیاری از پیشرفتهای دنیا در تکنولوژی و صنعت مدیون آن است و از بهترین کارهای او است اما هیچ کس روی هوش و استعداد نیوتن سرمایه گذاری نکرد! ما میتوانیم حرکت ستاره ها را محاسبه کنیم اما دیوانگی انسانها را هرگز. اسحاق دچار سانحه شد و در کشف قانون چهارم ناکام ماند. به نظر سرمایه گذاران، افزایش حرکت با کاهش سود همراه است.
- اگر تنها ۱ درصد انسانها خوش شانس باشند، شما حتما خود را در ۹۹ درصد باقیمانده قرار می دهید.
- همیشه می دانستم که ثروتمند می شوم، حتی یک لحظه هم به آن شک نکردم
- اکثر مردم جذب سهام هایی می شوند که دیگران آنها را می خواهند اما باید به دنبال سهامی باشید که کسی آن را نمی خواهد. نمی توانید چیزی را که همه به دنبال آن هستند، بخرید و بخواهید تا خوب عمل کند.
- بازار کوتاه مدت مانند زندان است و مکان امنی ندارد و کار در این بازار کودکانه است.
- همانطور که سرمایه برک شایر به شدت رشد می کند، جهان سرمایه گذاری با همان سرعت می تواند برنتایج کار ما اثر گذارد پس بررسی بیشتری نیاز داریم و باید با استفاده از هوشمندی، برنامه و نقشه ای طرح کنیم، البته استفاده از هوش و تفکر زیاد، نه فقط چند لحظه تفکر، پس هر سال می توانیم یک طرح خوب اجرا کنیم. (این تفاوت من است.)

- رایج ترین دلیل پایین بودن قیمت سهام شرکت ها این است: بدبینی عام و خاص به شرکت یا صنعت. قصد داریم تا تجارت را در چنین محیطی انجام دهیم؛ البته نه به خاطر طرفداری از بدبینی بلکه به دلیل علاقه به چنین قیمت هایی. بدبینی ، یکی از دشمنان یک خریدار منطقی است.
- بدست آوردن موفقیت در سرمایه گذاری به ضرب هوش بستگی ندارد، پس برای بررسی مباحثی که مردم در طول سرمایه گذاری با آن روبرو می شوند ، با ضرب هوشی بالای ۲۵ درصد یا متوسط هم تنها به یک روحیه عالی نیاز دارد.
- زمان دشمن تجارت ضعیف و دوست تجارت قوی است. چنانچه شما ۲۰ الی ۲۵ درصد سود از سرمایه خویش بدست آورید؛ زمان دوست شماست اما اگر بازده تجارت شما پایین تر بود، زمان دشمن شماست.
- دنبال سرمایه گذاری در بزرگترین تجارت های جهان هستیم. موفقیت از آن من است. اگر موقعیت آن برسد، باید جای خود بایستید و منتظر پرتاب به نقطه ای باشید که انرا دوست دارید. ممکن است که بقیه ی رقبا در خواب باشند، در آن هنگام می توانید در راستای هدف خویش راحت گام بردارید.
- بازار سهام یک بازی بیسبال و بولینگ نیست؛ نباید بر همه چیزی چیره شوید. می توانید منتظر پرتاب باشید. مشکل اساسی مربوط به زمانی است که شما مدیر مالی هستید، یعنی زمانی که طرفداران داد می زنند: ((پرتاب کن)) و شما در این هنگام باید محکم و استوار و بدون دخالت احساس، کار خود را انجام دهید.
- چنانچه تمامی تجارت و آینده ی تجاری را بشناسید ، به ندرت به این روش روی می آورید. آسیب پذیرترین تجارت ، آن است که در آن سرمایه گذاران به امنیت زیادی نیاز مند باشند.
- اگر بازارها همیشه موثر باشند ، پس من حالا می بایست یک ولگرد کاسه به دست باشم.
- قانون شماره ۱ هرگز از سرمایه کم نکن. قانون شماره ۲ قانون اول را هرگز فراموش نکن.
- خرید سهام یک شرکت معمولی با قیمت نسبتا پایین بهتر از خرید یک شرکت متوسط با قیمت بالا است.
- در صورت شناخته نشدن ارزش جواهرات ، جواهرساز هم شناخته نمی شود .
- اگر اینطور تصور می کنید که در طول ۱۰ سال به آسانی نمی توانید به یکسری از اهدافتان برسید پس حتی ۱۰ دقیقه هم به این اهداف فکر نکنید.
- در انسان ویژگیهای فاسدی وجود دارد که کارهای آسان را سخت جلوه می دهند. هدف فرد باید به گونه ای باشد که بتواند آن کار را به درستی ، تمام و کمال انجام دهد. مشکل شما با گذشت زمان حل نمی شود.
- نظرات عموم در اندیشه ما جایی ندارند
- باوجود بیمه هیچ محدودیتی برای حماقت و اشتباه وجود ندارد.
- اگر تجارت یک شرکت خوب عمل کند. به دنبال آن سهام شرکت نیز از آن پیروی می کند .

- مهم ترین ویژگی برای سرمایه گذاری ، رفتار شخصی است نه هوش ، شما به رفتار و کردار خوبی نیاز دارید که در صورت بودن کنار مردم رویارویی آنان برای شما لذت بخش باشد.
 - برای بدست آوردن شهرت به ۲۰ سال زمان نیاز است و برای تخریب آن تنها ۵ دقیقه زمان لازم است.
 - هرگاه از بافت سوال شده است که چگونه در زمینه سرمایه گذاری موفق شدی ؟ او پاسخ داده است : هر سال صدها و صدها گزارش سالانه شرکت ها را خوانده ام.
 - هر گز چیزی نمی خرم مگر اینکه بتوانم بر اساس استدلال و منطق خویش قیمت درست را پرداخت کنم. با وجود آگاهی از اشتباه خویش راه حل آن را می دانم . در حال حاضر ۳۲ میلیارد دلار به شرکت کوکاکولا پرداخت کرده ام به این دلیل که..... ؟ اگر نتوانید به این سوال پاسخ دهید پس قادر به خرید آن نیستید و اگر توانستید در طول چند دقیقه از عهده آن برآیید می توانید.
 - باید بتوانید توضیح دهید که چرا کار می کنید ؟ چرا سرمایه گذاری می کنید؟ هرچه است باید روی کاغذ آورید و در صورت عدم ارائه یک پاسخ درست و هوشمندانه نباید شغلی انتخاب کرده و سرمایه گذاری کنید.
 - زندگی خویش را واقعا دوست دارم و آن را به گونه ای ترتیب داده ام تا آنچه را می خواهم ، انجام داده و به آن برسم. به خاطر اینکه زمانی خاص عده ای از مردم درختانی با طول عمر زیاد کاشته اند؛ الان برخی در سایه آن می نشینند.
 - من با هوش هستم و روش های را که منطقی است و بر روی آن شناخت دارم اگرچه سختی هایی داشته باشند، رها نمی کنم. اگر روشی آسان به من ارائه شود که اصلا شناختی درباره آن نداشته باشم ، در این مسیر موفق نمی شوم و سرمایه خود را از دست می دهم .
 - به دنبال یک چیز واهی نیستم که در من امید ایجاد کند ؛ مثل یک سال خوب و پر شانس و هرگز نمی خواهم با پول دیگران به شانس برسم ؛ با محیط بازار شارژ نمی شوم و نمی خواهم وارد بازی شوم که در مورد آن شناخت ندارم تنها به دلیل اینکه یک قهرمان را شکست دهم.
 - نوع جنگ من برنده شدن است و دیگر هیچ .
- برای شرکت در مسابقه باید عضو باشید. زمان شرکت در مسابقه ساعت ۸ صبح الی ۲۴ روز یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۸ می باشد.